

ایستاد هفت

سال سی و پنجم، شماره ششم
بهار و اسفند ۱۴۰۳
ISSN: 1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب شناسی و
اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۱۰



آخر یکی از مُسَلِّمانان چراغی قُرا راه مَن دارید! | چاپ نوشت (۱۷) |
برگی از ادبیات ضد صوفی در مسلمانان هند | نسخه خوانی (۳۹) |
آینه های شکسته (۷) | مرگ چنین خواجه... | تازیدن؟ تاسیدن؟
ناهیدن؟ | خراسانیات (۳) | یادداشت های لغوی و ادبی (۳) |
متنی دیگر از سَنِیان دوازده امامی | نوشتگان (۱۱) | نظریه
آواشناختی خلیل بن احمد و زبان شناسی هندی | طومار (۹) |
اشارات و تنبیهات (۷) | حدیث «علي مع الحق» از عباة الأنوار |
رباعیات صرفی کشمیری در دیوان خاقانی | سحر با باد می گفتم
حدیث آرزومندی | **نکته، حاشیه، یادداشت**

جويا جهان بخش | مجيد جليسه
رسول جعفران | حيدر عيوضي
محمد سوري | مسعود راستي پور
اميد حسيني زاده | آريا طيب زاده
ميلاد بيگلر | احمد رضا قائم
مقامي | علي راد | حميد عطائي
نظري | علي بوزري | سيد علي
ميرافضلي | مرتضي علي زاده نجارا
خليل حسيني عطاري | علي ايماني
ايماني | مرتضي كريمي نيا | سيد
محمد حسين حكيم م

اپوست آینه پژوهش | الجامع لعلوم القرآن، تفسیر أبي الحسن الرماني
روند تحول نگاه اهل سنت به نهج البلاغه در قرن هفتم هجری

متنی دیگر از سنیان دوازده امامی

لب لباب تواریخ/ از ریاضی (قرن نهم)

رسول جعفریان

| ۲۰۷ - ۲۱۹ |

۲۰۷

آینه پژوهش | ۲۱۰

سال ۳۵ | شماره ۶

بهمن و اسفند ۱۴۰۳

چکیده: در طول قرون متمادی از آغاز عصر نگارش تواریخ تا دوره معاصر و در مناطق مختلف جهان اسلام، تواریخ عمومی فراوانی نوشته شده است. در حوزه ایران، در قرن هشتم و نهم آثار بزرگ دایرةالعارفی نوشته شد که جامع التواریخ و بعدها روضة الصفا و کتب دیگر، نمونه‌های آن هستند. اساس این کتاب‌ها که گاه بسیار مفصل و گاه خلاصه بود، نگارش تاریخ ایران و اسلام و حوزه‌های ماوراءالنهر و حتی هند بود و ضمن آن از برآمدن اسلام و سیره نبوی و تاریخ خلفا یاد می‌شد. در شماری از این کتاب‌ها، افزون بر شرح حال خلفا، شرح حال دوازده امام هم درج می‌شد، در حالی که نویسندگان آنها سنی مذهب بودند. یک نمونه از این تواریخ، لب لباب تواریخ است که یک دوره خلاصه از تاریخ اسلام است. در اینجا، بخش مربوط به امامان آن را آوردیم تا شهادتی بر این باشد که جریان تسنن دوازده امامی ریشه دار بوده است.

کلیدواژه‌ها: متن پژوهی، لب لباب تواریخ، تاریخ اسلام، تسنن.

Another Text from the Twelve-Imam Sunnis:

Lub Lubāb al-Tawārikh by Riyāḍī (9th Century AH)

Rasul Jafarian

Abstract: Throughout history, from the advent of historiography to the modern era, numerous general histories have been written across the Islamic world. In Iran, the 8th and 9th centuries AH witnessed the production of significant encyclopedic historical works, such as *Jāmi' al-Tawārikh*, *Rawḍat al-Safā*, and similar texts. These works, sometimes highly detailed and sometimes abridged, covered the history of Iran, Islam, Transoxiana, and even India, often including accounts of the rise of Islam, the Prophetic biography, and the history of the caliphs. Remarkably, some of these historical works, authored by Sunni historians, also included biographical accounts of the Twelve Imams. *Lub Lubāb al-Tawārikh* is one such example—a concise compendium of Islamic history. In this study, we present the section of the text related to the Imams as evidence of the deep-rooted presence of Twelve-Imam Sunnism (*Tasnnun-e Davāzdah Imāmī*).

Keywords: Textual studies, *Lub Lubāb al-Tawārikh*, Islamic history, Sunnism.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

«انتخاب تواریخ» عنوان نسخه‌ای ۸۶ برگی است که دانش‌پژوه این عنوان را به آن داده و در فهرست دانشگاه (۲۴/۱۶، ش ۵۵۰۶) معرفی کرده است. بر اساس مقدمه، ما عنوان «لب لباب تواریخ» را ترجیح می‌دهیم. عنوان هشت بخش اصلی آن شامل تاریخ انبیا و ملوک بنی اسرائیل، سلسله‌های ملوک عجم، سپس اسلام شامل امرای اموی و عباسی و آن‌گاه طوایف ملوک اسلام از صفاریان تا مغول و بایندریه است. طبعاً نسخه از پایان ناقص است و برای شناخت دقیق این متن، باید با تواریخ دیگر مقابله شود تا روشن گردد چه جایگاهی را داراست. دانش‌پژوه تاریخ نسخه را قرن دهم دانسته است. مقدمه کتاب موجود و از توضیحی که مؤلف می‌دهد، عنوانی شبیه «لب لباب تواریخ» یا همین «انتخاب تواریخ» برمی‌آید. البته این متن ارتباطی با «لب التواریخ قزوینی» (چاپ شده به کوشش سیدجلال طهرانی، تهران، کلاله خاور، ۱۳۱۴ش) ندارد. این قبیل آثار که تاریخ عمومی جهان، اسلام به‌ویژه سلاطین ایران است، بسیار فراوان‌اند. اگر عنوان «انتخاب تواریخ» انتخاب مرحوم دانش باشد، به نظر می‌رسد بهتر است نام آن را «لب لباب تواریخ» گذاشت که نویسنده در مقدمه بر آن تأکید کرده است. ظاهراً وی کتابی مفصل‌تر داشته و این اثر مختصر آن است (به ادامه بحث توجه کنید).

۲۰۹

آینه پژوهش | ۲۱۰

سال ۳۵ | شماره ۶

بهمن و اسفند ۱۴۰۳

نام نویسنده که می‌تواند تخلص او هم باشد، در مقدمه آمده است؛ هرچند به آن تصریح نمی‌کند. در یک مورد می‌گوید: «و چون محضر ریاض ریاضت "ریاضی" کم بضاعت، اندک وقوفی از این صنعت دارد...». در اینجا «ریاضی» می‌تواند اشاره به مؤلف باشد، به‌ویژه در چند سطر بعد در شعری با اشاره به اهل فهم از اطرافیان خود که باید کتابش را می‌خواندند یا گویا مفصل خوانده بودند و از او خواسته‌اند تا متن مختصرتری آماده کند، می‌گوید:

یکی از جمله ایشان مرا گفت ریاضی گر چه کلکت دُر نکو سفت
در این تاریخ اما مختصرتر اگر سازی کنم مجموع از بر

در این شعر، تخلص «ریاضی» شاعر که بالاتر هم آورده بود، روشن است و او کسی جز نویسنده این «لب لباب» نیست. ظاهراً در جای دیگری از این کتاب، عنوان «ریاضی» در متن یا اشعار آن نیامده است. شاید مناسب باشد بدانیم روی نسخه‌ای از تاریخ رشیدی، یادداشتی شامل چند بیت شعر از شاعری با تخلص «ریاضی» آمده است (تاریخ رشیدی، تعلیقات، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۳ش، ص ۲۳). اما اینکه ارتباطی با ریاضی ما دارد یا نه، نمی‌دانیم.

آنچه مقصود ماست، صفحاتی از این کتاب درباره حضرت محمد (ص) و خلفا است. در بخش خلفا، درباره هر کدام از سه خلیفه اول چند سطر آمده آمده است و آن گاه درباره امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب تا حضرت مهدی به اجمال و هر کدام در حد یک سطر آمده است. زندگی حضرت محمد (ص) بلافاصله پس از شرح حال یزدجرد بن شهریار آمده است و ذیل همان اشاره به ازدواج دختر او با امام حسین (ع) می کند و اینکه امام زین العابدین فرزند اوست.



۲۱۰

آینه پژوهش | ۲۱۰

سال ۳۵ | شماره ۶

بهمن و اسفند ۱۴۰۳

انتخاب این متن در اینجا از این روست که اثر یادشده در تاریخ جهان و ایران تا قرن هشتم و نهم - آخرین تاریخی که در آخرین سطر کتاب از نسخه موجود آمده ۸۱۳ است - توسط نویسندہ‌ای نوشته شده است که بر اساس معیارهایی که تاکنون در این سلسله متون در مقالات مختلف داشته ایم، می توان او را سنی دوازده امامی نامید.

نویسنده در خطبه کتاب تعبیر «علی آله و اصحابه» دارد که تکلیف گرایش مذهبی خود را روشن می کند. پس از بخش تاریخی اول کتاب، وقتی به زندگی حضرت محمد (ص) می رسیم، برای آن حضرت از تعبیر «صلی الله علیه و سلم» استفاده می کند. هرچند از

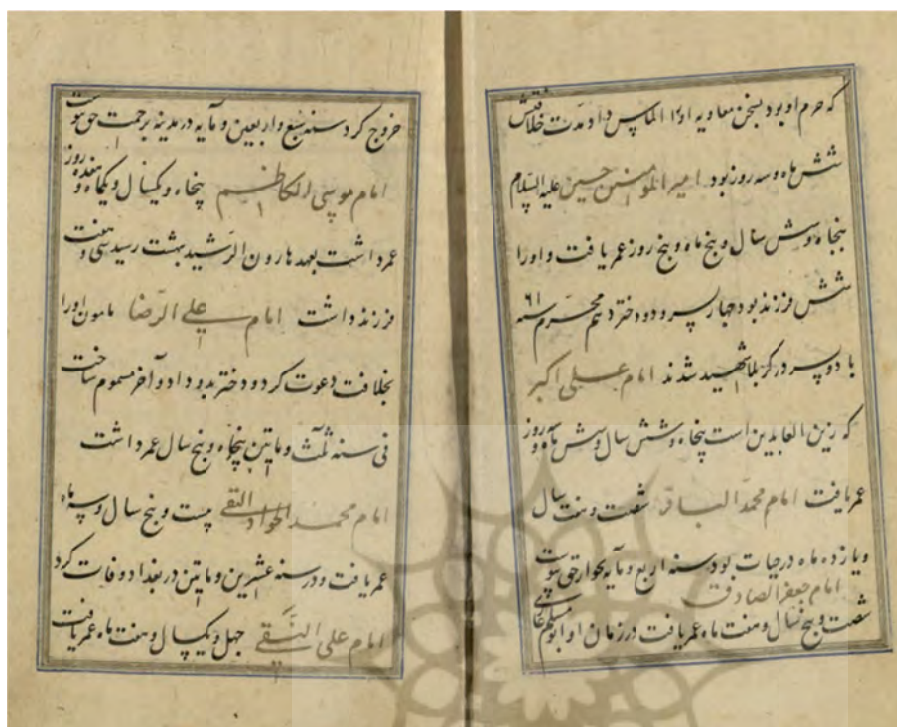
نسخه آشکار است که شخصی آن را دست کاری کرده «و آله» را در دل آن افزوده است. به هر حال عادت نویسنده همان سبک سنی رایج بوده است. وی سپس تاریخ سه خلیفه را هر کدام در چند سطر آورده است. از نسخه آشکار است که نام آنها با القاب بوده و کسی آنها را محو کرده است. اما در همان شرح حال مختصر موجود، ادبیات نویسنده ستایشی است. درباره ابوبکر می گوید: «به اجماع صحابه خلیفه شد». درباره عمر می گوید: «بنیاد عدل و داد نهاد». بعد از شرح حال سه خلیفه، اسامی دوازده امام را آورده است. مفصل ترین شرح حال مربوط به امام علی (ع) است با عنوان «امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب رضی الله عنه» که با این شعر از او استقبال کرده است:

چون بر سریر ملک امامت بحق نشست حق در نصاب خویش حقیقت قرار یافت

در اینجا ستایش او از امام علی (ع) با ادبیات خاص وی روشن است. از امام دوم با تعبیر «امیرالمؤمنین حسن علیه السلام» یاد کرده است. شرح حال این امام و امامان بعدی همه بین دو تا سه سطر است. امام علی اکبر زین العابدین، امام محمد الباقر، امام جعفر الصادق، امام موسی کاظم، امام علی الرضا، امام محمد الجواد التقی، امام علی النقی، امام حسن العسکری همه بدون علیه السلام یا رضی الله عنه آمده و گفته شده است که تنها فرزند او «صاحب الزمان» است. امام محمد المهدی با «علیه» آمده و گفته شده «به موجب اعتقاد شیعه، پنهان شده» است. جالب است که می گوید: «هفتاد و چهار سال ظاهر بود و در سنه ۳۳۳ به موجب اعتقاد شیعه پنهان شد و بیرون خواهد آمد».

بعد از آن گزارشی از امویان با دید منفی و نیز گزارشی از عباسیان دارد که به جز چند سطر مقدمه، بقیه آنها ارائه لیست خلفای اموی و عباسی است. این دو مورد را هم در اینجا خواهیم آورد. در واقع ما از یزدجرد تا فهرست عباسیان را از متن پیش گفته انتخاب کرده و اینجا تقدیم می کنیم؛ گرچه هدف ما همان «دوازده امام» است که پس از «سه خلیفه» به صورت ترکیبی آمده و معیاری برای معرفی نویسنده به عنوان سنی دوازده امامی است.

بخش های انتخابی ما در این مقاله، مقدمه مؤلف، سپس شرح احوال یزدجرد که کوتاه آمده و مقدمه تاریخ بعد از آن، یعنی اسلام تا پایان دوره خلفای عباسی است که طبعاً بسیار مختصر و کوتاه است.



[مقدمه مؤلف]

مقدمه مؤلف

تاریخ مآثر دولت ابدی و تاریخ دفاتر سعادت سرمدی، ترتیب تشبیب حمد و ثنای احدی و تهذیب ترکیب شکر و سپاس صمدیست، تعالی شأنه؛ جهان داری که تواریخ آثار جبابره روزگار اثری از صنعت بی کرانه اوست، و اخبار اخبار اقتدار کاسره نامدار خبری از قدرت جاودانه او. له المنن الحسام و المنح العظام، تبارک اسم ربک ذی الجلال و الاکرام.

وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى خَيْرِ الْأَنْامِ وَبَدْرِ التَّمَامِ، نور الله الملك العلام

محمد که مقصود کونین اوست/ کمان ابروی قاب قوسین اوست

و علی آله و اصحابه، مفاتیح الندی و مصابیح الهدی و سلم تسلیماً و عظم تعظیماً.

و بعد؛ چون هوشمندان بختیار و بختیاران هوشیار دانسته اند و دیده که از صنع کردگار هر لحظه صورتی است در اطوار روزگار، هرآینه طغراکشان توقیعات سوانح شهر و ایام و

تاریخ‌نویسان تصدیقات وقایع ده‌ور و اعوام دیده جهان را در هر قرن به سرمه ذکر صاحب‌قرانی مکمل کرده‌اند، و آثار ابرار و اطوار احرار و اخبار اخیار، مجمل و مفصل به سواد برده، چه فی الحقیقه تاریخ بعثت انبیا و ظهور اولیا و اصفیا و اوصیا و وقوع حکما و علما و خروج ملوک و امرا و تعیین طبقات مردم و اعیان و اشراف زمان و تبیین سیر و عادات کرام جهان و نوادر حالات و عجایب واقعات بدین طریق تحقیق یابد، و به واسطه سعی جمیل مورخان ماهر مناقب و مفاخر افاخر و مراتب و مآثر اشراف و اکابر و حدوث امور غریبه و تواتر نوادر توضیح و تلفیق پذیرد.

بیت:

به سعی کلک مورخ سوانح احوال معین است و مبین بر اهل فضل و چون محضر ریاض ریاضت «ریاضی» کم‌بضاعت اندک وقوفی از این صناعت دارد، قبل از این تاریخ از بعثت آدم (ع) الی الیوم آثاری که از پیغمبران و پادشاهان و سایر امم صدور یافته از نسخه‌های معتبر و دواوین مشتهر مثل دیوان التَّسب و شاهنامه بزرگ و نظام التواریخ و مسعودی و جامع المعارف حصنی و بناکتی و طبری و جهانگشای وزیده و گزیده و کتاب المعجم و جامع رشیدی و مختار حافظ آبرو و ظفرنامه کبیر به روایات مختلفه و عبارات مؤتلفه انتخاب و انتخاب کرده، مخلص و ملخص مجموع محرر و مذبور ساخته بود، در این ولا که اصحاب و احباب و مخادیم و اعزّه و ارباب تفخیم و تکریم به مطالعه آن نسخه شریف شرف التفات تقدیم می‌فرمودند. نظم

یکی از جمله ایشان مرا گفت ریاضی گر چه کلکت در نکو سفت در این تاریخ اما مختصرتر اگر سازی کنم مجموع از بر بنابراین لب لباب و زیده جمیع و گزیده از همه ابواب در این کتاب آورد، و ملوک و انبیا را به مجرد عمر و سال سلطنت، و آثاری که در هر زمان ظاهر شده اقتصار کرد. یا رب نظر قبول یابد [پایان مقدمه مؤلف].

یزدجرد بن شهریار

روز اول پادشاهی او بنیاد تاریخ فرس است و میان او و تاریخ هجرت، ده سال و هشتاد و سه روز است. در سال اول سلطنت، بالشکر عرب جنگ کرد و گریخته به اصفهان آمد، و از آنجا به اصطخر رفت. دیگر لشکر عرب با او غزا کردند، بازگریخته به خراسان رفت و در آنجا بر دست

ماهویه نوکر خود کشته شد. مدّت سلطنت او بیست سال بود. از او دختری ماند شهربانو که زن امیرالمؤمنین حسین علیه السلام شد و امام زین العابدین از اوست.

القَصّه دولت ساسانیان و پادشاهی ملوک عجم آخر شد، و رایت مَلّت حنفی [حنیفی] افرخته گشت.

ذکر نسب پاک سیّد اولاد آدم سرور و بهتر عرب و عجم محمد المصطفی صلی الله علیه و [اله و] سلم

نام او احمد است و کنیتش ابوالقاسم، و نسب مطهرش محمد بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف بن قصی بن کلاب بن مره بن کعب بن لوی بن غالب بن فهر بن مالک بن نصر بن کنانه بن خزیمه بن مدرکه بن الیاس بن مصر بن معدی بن عدنان [اینجا، محلی به اندازه سه سطر، سفید مانده است].

فی الجمله چنانچه مفسران و مورخان نقل کرده اند روز آدینه هفتم ربیع الاول وقت طلوع آفتاب حضرت رسالت مآب در وجود آمد بطالع میزان بیستم نisan سنه اثنین و ثمانمائه اسکندری و چهل سال از پادشاهی نوشیروان گذشته بود. و شصت و سه سال عمر یافت. دو سال و چهارده روز با پدر بود و هشت سال با مادر. عبدالمطلب او را می پرورد؛ بعد از آن ابوطالب تربیت می کرد. چون بیست و پنج ساله شد، خدیجه را بخواست، و چون چهل ساله شد، روز آدینه بیست و هفتم رمضان المبارک وحی بدو نازل گشت. اوّل سوره اقرأ در کوه حرا، و آخر آیت «وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ» [بقره: ۲۸۱] الی آخره.

و در سال سیزدهم از مبعث، به مدینه از مکه هجرت کرد و بعد از یک سال و نیم هجری، وقت نماز بامداد روز دوشنبه پانزدهم شعبان تحویل قبله از مسجد اقصی به مسجد حرام شد. و بیست و هفت غزا کرد، چنانچه در کتب مسطور و مشهور است، و در نه غزا خود حاضر بود، و ده سال در مدینه که بیست و سه سال پیغمبر بوده است، علیه صلوات الله تعالی.

ذکر خلفا

[ابوبکر بن ابی قحافه] نام او عبدالله بن قحافه به اجماع اصحاب خلیفه شد، و فتح شام در زمان او بود، و مسیلمه کذاب در عهد او کشته شد. شصت و شش سال عمر یافت، و دو سال و سه ماه و بیست روز خلافت کرد.

[عمر بن خطاب] ولی عهد ابوبکر بود. چون به جای او نشست، بنیاد عدل و داد نهاد و اکثر بلاد در زمان او فتح شد. عاقبت ابولؤلؤ غلام مغیره بن شعبه او را کارد زد و بکشت. خلافت او ده سال و هشت ماه بود.

[عثمان بن عفان بن ابی] عاص بن امیه، چون به خلافت نشست، مروان حکم را وزیر کرد، و معاویه را امیر شام ساخت. در زمان او طبرستان و بلاد خراسان و کرمان و آذربایجان و مصر و مغرب و روم بر دست مسلمانان گشاده شد. در آخر عهد اختلاف واقع شد. اهل مصر میل به مرتضی کردند و اهل بصره طلحه را خواستند، و کوفیان زبیر را، و فی الجمله بر کوفیان خروج کردند و عاقبت محصور شد، و چنانچه مشهور است به قتل آمد. یازده سال و یازده روز خلیفه بود و هشتاد و دو سال عمر یافت.

اسدالله الغالب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب - رضی الله عنه

چون بر سریر ملک امامت به حق نشست حق در نصاب خویش حقیقت قرار یافت

۲۱۵

آینه پژوهش | ۲۱۰
سال ۳۵ | شماره ۶
بهمن و اسفند ۱۴۰۳

طلحه و زبیر با او بیعت کردند، خروج کردند و عایشه را از مدینه بیرون آوردند و به بصره بردند و امیرالمؤمنین سپاه در عقب برد، و در جمل حرب شد؛ [کذا] چنانچه معروف است. و چون از ایشان پرداخت، معاویه از شام چو صبح کاذب بر صادق خروج کرد، و در صفین، صفین محاربات کردند و در صد و ده روز چهل مصاف واقع شد، و هفتاد هزار نفر از اهل شام و چهل و پنج هزار از عراق به قتل آمد. عاقبت جهت مصالح، حکمی اختیار کردند و جمعی بدین واسطه از امیرالمؤمنین اعراض نمودند و خوارج شدند؛ از آن جمله از دست عبدالرحمن بن ملجم مرادی - علیه اللعنه - بیست و هفتم رمضان سنه اربعین، صبح سیادت و زهادت به مطلع سعادت شهادت پیوست. چهار سال و هشت ماه خلافت کرده بود.

امیرالمؤمنین حسن علیه السلام

چهل و هفت سال عمر یافت و شانزده فرزند داشت؛ نه پسر و هفت دختر. جعده بنت اشعث که حرماو بود، به سخن معاویه او را الماس داد. مدت خلافتش شش ماه و سه روز بود.

امیرالمؤمنین حسین (ع)

پنجاه و شش سال و پنج ماه و پنج روز عمر یافت و او را شش فرزند بود؛ چهار پسر و دو دختر. دهم محرم سنه ۶۱ با دو پسر در کربلا شهید شدند.

امام علی اکبر که زین العابدین است، پنجاه و شش سال و شش ماه و سه روز عمر یافت.

امام محمد الباقر

شصت و هفت سال و یازده ماه در حیات بود. سنه اربع [عشر] و مائه به جوار حق پیوست.

امام جعفر الصادق

شصت و پنج سال و هفت ماه عمر یافت. در زمان او ابو مسلم غازی خروج کرد. سنه سبع و اربعین و مائه در مدینه به رحمت حق پیوست.

امام موسی کاظم

پنجاه و یک سال و یک ماه و هفده روز عمر داشت. به عهد هارون الرشید، به بهشت رسید. سی و هفت فرزند داشت.

امام علی الرضا

مأمون او را به خلافت دعوت کرد و دختر بدو داد و آخر مسموم ساخت. فی سنه ثلاث و مأتین پنجاه و پنج سال عمر داشت.

امام محمد الجواد التقی

بیست و پنج سال و سه ماه عمر یافت و در سنه عشرين و مأتین در بغداد وفات کرد.

امام علی التقی

چهل و یک سال و هفت ماه عمر یافت و در سنه اربع و خمسين و مأتین وفات یافت.

امام حسن العسکری

برادری داشت جعفر نام، او را یکصد و بیست فرزند آمد. عسکری بیست و هفت سال عمر یافت، و او را یک پسر بود صاحب الزمان.

امام محمد المهدی علیه [السلام]

هفتاد و چهار سال ظاهر بود و در سنه ثلاث و ثلاثین و ثلاثمائه به موجب اعتقاد شیعه پنهان شد و بیرون خواهد آمد؛ والله اعلم.

ذکر امرای بنی امیه و مروانیان

معاویه با خلف خلف [در اصل: حلف] ناخلفش، ملعون ابد و مطعون سرمد، مرتد مرتد یزید سبیل شقاوت یزید چون کلب عقور با قلاده زرین در محراب امامت ایستاد، و بوم شوم در آشیان شهباز بلند پرواز نشیمن آغاز نهاد، و چون به جهنم پیوست، اقارب عقارب مقاربش، به مراسم امور جهانداری قیام نمودند.

و از ایشان چهارده تن، نودویک سال ظلمت ظلم و نکال به کمال رسانیدند، بر این ترتیب:

بودند از سران امیه چهارده	بگرفته ملک عرصه آفاق سر به سر
اول معاویه پسر هند بی شکی	از بعد او یزید جفاکار بدسیر
آن گاه معاویه بُد و مروان بعد از او	عبد الملک ولید سلیمان و پس عمر
آن گاه یزید و باز هشام است پس ولید	وز بعد او یزید و براهیم بر اثر
مروان بن محمد آن کس لقب حمار	بود آخرین و نیست جز این چارده دگر

[در زیر اسامی خلفای اموی در ابیات بالای سال های خلافت آنان آمده که به شرح زیر است:]

معاویه: نوزده سال و سه ماه
یزید: سه سال و دو ماه
معاویه دوم: چهل روز
مروان: چهار سال
عبد الملک: بیست و دو سال
ولید: ده سال
سلیمان: سه سال
عمر: سه سال
یزید: نه ماه
هشام: نوزده سال و هفت ماه

ولید: یک سال دو ماه

یزید: شش ماه

ابراهیم: هفتاد روز

مروان حمار: پنج سال و شش ماه [در اصل به اشتباه بیست و پنج سال و شش ماه نوشته شده].

خلفای بنی عباس

چون ابومسلم صاحب الدوله را توفیق رفیق شد، و تیغ آبدار و تبرزین آتش بار بسیط زمین را از نجاست نحاست تجبر و تکبر امرای بنی امیه و مروانیان در سنه اثنین و ثلاثین و مائه مصقی و مطهر گردانید، و به اجتهاد آن صاحب دولت آل عباس به سطوت و یأس سی و هفت نفر مدت پانصد و بیست و سه سال و یازده ماه و یک روز از تاریخ مذکور تا شهر سنه ست و خمسین و ستمائه از خلافت محتظی شدند و بر صهوات مباحات مرتقی بر این موجب:

از بنی عباس سی و هفت تن بودند امیر	کز سنان و تیغشان شد سینه اعدا فکار
بود سقّاح انگهی منصور و مهدی از عقب	هادی و هارون، امین، مأمون امیر کامکار
معتصم آن گاه واثق بعد از او متوکل است	منتصر پس مستعین بود و معتز پیشکار
مهدی و معتمد پس معتضد پس مکتفی	مقتدر پس قاهر و راضی نظام روزگار
متقی، مستکفی و آن گاه مطیع و طابع است	قادر و قایم پس از وی مقتدی شد آشکار
بعد از او مستظهر و مسترشدست و راشدست	مقتفی مستجد آن کش شیر گردون شد آشکار
مستضی و ناصر و طاهر دگر مستنصر است	آخرین قوم، مستعصم به حکم کردگار

[در ذیل نام خلفای عباسی نیز سال های خلافت آنها آمده است که نیازی به آوردن آنها در اینجا نیست].

